



۱۵

## آجرهایی از جنس شیر



۱۶

## دفع زباله‌های عفونی خطرناک بیخ گوش کرمانشاه



۱۴

## اکسیژن درمانی گیاهی در نبرد با کرونا

## زندگی

سه‌شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ شماره ۶۰۲۶



### وظیفه شرعی در قبال مالی که پیدا می‌کنیم

این که آدم‌های اماندار می‌گویند کاری به جز وظیفه‌شان انجام نمی‌دهند یک تعارف نیست بلکه عین حقیقت است؛ چون امانداری ورعایت حریم اموال دیگران وظیفه‌ای است که شرعا برعهده تک تک ما قرار گرفته است.

با این که مراجع مختلف تقلید درباره مالی که پیدا می‌کنیم در برخی جزئیات با هم اختلاف نظر دارند، ولی در کلیات آنچنان شبیه هم نظر داده‌اند که دیگر شکی در وظیفه ما باقی نمی‌ماند.

در این میان امامیان مالی که صاحب مشخص است یا مالی که صاحب آن نامعلوم است، تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال مالی که پیدا می‌کنیم اگر نشانه‌ای نداشته باشد تا از طریق آن صاحبش مشخص شود، می‌توانیم برای خودمان برداریم اما بازهم احتیاط واجب این است که آن مال را از طرف صاحب صدقه بدهیم.

اما اگر مالی دارای نشانه است و به کمک این نشانه‌ها می‌توان صاحب مال را پیدا کرد آزمون بزرگ اخلاق و امانتداری آغاز می‌شود. در این وضعیت ملاک عمل یک عدد شرعی است یعنی ۱۲/۶ نخود تقره به عنوان ارزش مال پیدا شده.

به این ترتیب اگر مالی به این اندازه یا بالاتر از آن ارزش داشته باشد، کسی که آن را یافته باید اعلام عمومی کند، مثل آنچه ما معمولاً در قالب چند خط روی تکه‌ای کاغذ می‌نویسیم و آن را به در و دیوار می‌چسبانیم.



این اعلام عمومی از روزی که مالی را پیدا کردیم تا یک هفته باید به صورت روزانه انجام شود و پس از آن تا یک سال باید هر هفته تکرار شود.

با وجود این تلاش‌ها و بعد از گذشت یک سال اگر صاحب مال پیدا نشد، می‌توان آن مال را به عنوان امانت نزد خود نگه داشت تا روزی که صاحب پیدا شود؛ ولی برخی مراجع تقلید می‌گویند احتیاط مستحب این است که مال مورد نظر از طرف صاحب صدقه داده شود. این اعلام کردن به قدری جدی است که اگر کسی عمداً از اطلاع‌رسانی امتناع کند، مرتکب معصیت شده و این اعلام همچنان به عنوان یک امر واجب برعهده اوست. همچنین اگر فردی نابالغ مالی را پیدا کند تلاش برای یافتن صاحب آن از طریق اعلان کردن باید توسط ولی او انجام شود.

نکته مهم دیگر این که ما نه تنها موظفیم برای یافتن صاحب اموال گم‌شده تلاش کنیم موظفیم از آن مال مراقبت نیز بکنیم. طبق حکم شرعی نیز اگر در حین اعلان دادن و تلاش برای یافتن صاحب مال در نگهداری از آن کوتاهی کرده باشیم، وقتی صاحب مال پیدا شد باید عوض آن را به او بدهیم. ﷻ

حق با  
شماست

info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۰۲۳۰۰۴۴۴۴

#فلاح-پلیس

کرده از تهران:

پارک شهدای گمنام واقع در منطقه ابوذر (فلاح) محل تجمع ارازل و اوپاش شده است. چند بار هم با مرکز ۱۱۰ تماس گرفته شده و پس از حضور مأموران در محل به ساکنان گفته شده که می‌خواستید در کنار این پارک خانه نخرید. اهالی محل درخواست نصب یک کانکس پلیس در پارک شهدای گمنام، در ۴۰ متری ابوذر خیابان فیروزی را دارند.

#لبنيات-گرانی

مقدم از شیراز:

محصولات لبنی در عرض کمتر از یک ماه بیش از ۵۰ درصد گران شده است. قیمت شیر کم چرب یک لیتری که در تیرماه ۸۰۰۰ تومان بوده به ۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است. چرا هیچ مسؤولی پاسخگوی این وضع نیست.

#جریمه-کرونا

رضایی از تهران:

آیاباتعین جریمه برای تردد به شهرهای قرمز باعث شیوع بیشتر بیماری کرونا نمی‌شويم. بهتر نیست راه‌حل بهتری را انتخاب کرده و نسبت به این موضوع سختگیرانه‌تر عمل کنیم؟

#دارو-قارچ-سیاه

شهپازی از تهران:

در روزهای اخیر با افزایش بروز بیماری قارچ سیاه داروی آمفوتریسین B که تزریقی و وارداتی است و بسیار کم‌مصرف بوده، یافت نمی‌شود.

#وام-اجاره

جمالی از تهران:

وام ودیعه‌ای که دولت برای مستأجران در نظر گرفته با افزایش بیش از ۴۰ درصدی اجاره‌بها از سوی صاحبخانه‌ها همخوانی ندارد و بعضی از مستأجران را به دردسر انداخته است.

#واکسن-کرونا

چععی از شهرستان:

چرا در شرایطی که مسؤولان بهداشتی در ایران و جهان گسترش واکسیناسیون را شرط اصلی در مهار کرونا می‌دانند اما در کشورمان واکسن در مقاطع مختلف از دسترس مردم خارج می‌شود. این که چرا واکسن‌های تولید داخل نیز هر چه زودتر در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد محل سؤال است.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۴ با عنوان «آسفالت نامناسب خیابان گلستان پنجم» مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۴ شهر تهران با ارسال نایماری اعلام کرد: بهسازی و مناسب‌سازی خیابان گلستان پنجم در دستور کار معاونت فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۴ قرار گرفت.

خدا را شکر که برخلاف تصور عده‌ای، نسل آدم‌های خوب منقرض نشده است. خدا را شکر که هنوز هم برخی اخبار مثبت و امیدوارکننده می‌تواند خبرنگارها را بکشانند به گوشه و کنار ایران و آنها را پای حرف آدم‌های شریف بنشانند. خدا را شکر که نسل آدم‌هایی از جنس حسین فرامرزیان هنوز روی زمین نفس می‌کشند و بذر امید می‌کارند.

حسین یک جوان ۳۳ ساله شوشتری است، یک جوان خونگرم خوزستانی که دلش نمی‌خواست مصاحبه کند ولی به اصرار پذیرفت. او به ما گفت که فکر نمی‌کند کاری خاص به جز وظیفه انجام داده باشد ولی ما به او گفتیم اگر در این وانفسای دست‌کچی‌ها و بدحسابی‌ها، آدم‌هایی پیدا شوند که پول مردم و مال حرام اذیت‌شان کند و مثل حسین در به در دنبال صاحب پول بگردند باید او را راج نهاد.

خلاصه بگوییم که حسین فرامرزیان در کارگاه کلوچه‌پزی پدرش در میدان امام شهر شوشتر یک مهندس الکترونیک بیکار ولی یک کلوچه‌پز حرفه‌ای است که به دلیل تلاش چهارماهه برای رساندن ۸۱۹ هزار تومان به صاحبش، حالا هم برای خیلی‌ها نام و چهره‌ای آشنا و محترم است.



مریم خیار

جامعه

می‌دانید که چند روزی در فضای مجازی مشهور شدید؟

نمی‌دانم اسمش معروف شدن بود یا نه ولی برخی درباره‌ام چیزهایی گفتند. من اصلاً اهل فضای مجازی نیستم و معمولاً سرم در لاک خودم است. بیشتر وقتم هم در کارگاه کلوچه‌پزی می‌گذرد؛ از ۵ صبح می‌آییم تا ۲ بعدازظهر و از ۵ عصر کار می‌کنیم تا ۹ شب. یک روز یکی از دوستانم به من گفت در توئیتر درباره‌ام چیزی نوشته‌اند و مردم دارند راجع به من حرف می‌زنند. من عضو توئیتر نیستم اما برای این‌که بدانم چه خبر است عضو شدم و نظرات مردم درباره خودم را خواندم.

مردم چه گفته بودند؟

عده‌ای نسبت به من خیلی لطف داشتند ولی برخی هم حرف‌هایی زدند که بهتر است درباره‌اش چیزی نگویم. دقیقاً چه کار کرده‌اید. پس ماجرا را با جزئیات بگویید.

از زمانی که کرونا شروع شد ما دستگاه‌های کارتخوان را جلوی پیشخوان مغازه گذاشتیم تا مشتری‌ها

خودشان کارت بکشند و بهداشت رعایت شود. خیلی پیش می‌آمد که مردم مبلغ را اشتباه می‌کشیدند اما چون من فیش‌ها را نگاه می‌کردم اگر اشتباهی رخ می‌داد همان لحظه مشکل را برطرف می‌کردم یا اگر مشتری رفته بود ولی او را می‌شناختم بعداً سراغش می‌رفتم و مبلغ را به او برمی‌گرداندم. اما در روز مورد نظر مغازه خیلی شلوغ بود. یک خانم و آقای که اهل آبادان بودند برای خرید سوغات به مغازه ما آمدند و به جای ۹۱ هزار تومان ۹۱۰ هزار تومان، کارت کشیدند و رفتند. آن روز چون سرمان شلوغ بود من کارتخوان را نگاه نکردم. آنها هم فیش را برداشتند. وقتی مغازه خلوت شد و فیش‌ها را نگاه کردم دیدم که مبلغ اشتباه کشیده شده. سعی کردم از دستگاه تراکنش بگیرم ولی کارتخوان وقتی تراکنش می‌دهد چهار رقم وسط شماره کارت را به صورت ستاره نمایش می‌دهد.

بنابراین من نمی‌دانستم مبلغ اضافه را چطور باید به صاحبش برگردانم. به ناچار به بانک مراجعه کردم اما گفتند باید از طریق پشتیبانی دستگاه در تهران درخواست بدهی. البته من با پشتیبانی دستگاه تماس گرفتم و متقاعدشان کردم که شماره کامل کارت را به من بدهند. بعد از گرفتن شماره کارت با خودم فکر کردم که بهتر است مطمئن شوم آیا صاحب این کارت همان شخصی است که به مغازه ما آمده بود یا خیر. بنابراین به شماره تلفنش نیاز داشتم. برای گرفتن شماره تلفن وی به بانک صادرکننده کارت رفتم ولی آنجا چه کارمندان و چه رئیس حاضر به دادن شماره نشدند.

حتی گفتم که لازم نیست شماره را به من بدهید و خودتان تماس بگیرید و ببینید که فرد مورد نظر همانی است که من فکر می‌کنم که این‌بار هم موافقت نکردند. علت مخالفت‌شان چه بود؟ فکر می‌کردند ممکن است من قصد سوءاستفاده داشته باشم یا دارم دروغ می‌گویم. خلاصه بعد از چند بار رفت‌وآمد به بانک با آنها حرفم شد، مخصوصاً این‌که به من گفتند دست از پیگیری‌هایم بردارم و قضیه را رها کنم.

پس شما داستان به جایی بند نبود اما سرانجام چطور موفق شدید؟

بله واقعاً دستم به جایی بند نبود، ولی چون نمی‌توانستم قضیه را ندیده بگیرم با خانواده‌ام دنبال یافتن راهی بودیم، یعنی از هر کسی که می‌شناختم، کمک می‌خواستم تا شاید راهی برای پیدا کردن فرد مورد نظر وجود داشته باشد. یک روز یکی از مشتری‌های یافتن راهی بودیم، یعنی از هر کسی که می‌شناختم، کمک می‌خواستم تا شاید راهی برای پیدا کردن فرد مورد نظر وجود داشته باشد. یک روز یکی از مشتری‌های یافتن راهی بودیم، یعنی از هر کسی که می‌شناختم، کمک خواستم. او هم لطف و پیگیری کرد تا این که با رو انداختن به چند نفر موفق شد شماره تماس را برایم پیدا کند.

این پیگیری‌ها چه قدر طول کشید؟ از ۶ اردیبهشت امسال ماجرا شروع شد تا ۴ شهریور که پول را کارت به کارت کردم.

گفت و گو با جوان کلوچه‌پز شوشتری که مدتی است در فضای مجازی درباره امانتداری‌اش حرف می‌زند

## دنیا ارزش حرام خوردن ندارد



هستید. وقتی امانتدار نبودن عده‌ای را می‌بینید (چه بین مردم و چه مسؤولان) چه حال و هوایی پیدا می‌کنید؟

از دنیا ناامید می‌شوم و آرزو می‌کنم ای کاش دنیا تمام شود تا آدم‌ها این‌طور رفتار نکنند. فکر می‌کنم در قفس هستم. وقتی این همه بی‌عدالتی، دزدی و اختلاس را می‌بینم و می‌شوم، آرزو می‌کنم ای کاش نباشم تا این چیزها را ببینم. من کسانی را سراغ دارم که برای نان شب خود خیلی سختی می‌کشند و اذیت می‌شوند.

همه می‌دانیم بعضی از کسبه امانتدار نیستند و غش در معامله دارند و کم فروشی می‌کنند به طوری که بالا و پایین شدن حساب دیگران برایشان مهم نیست و اهمیتی ندارد. با این آدم‌ها چند کلمه‌ای حرف بزنید.

البته کسبه‌ای هستند که خیلی از من بهترند و در شهر خودمان شوشتر از این کاسب‌های امانتدار زیادند ولی خب بالاخره عده‌ای هم هستند که رعایت امانت و انصاف نمی‌کنند و به این آدم‌ها می‌گویم باور کنید مال دنیا ارزش این کارها را ندارد و مگر آدم قرار است چه قدر جمع کند، جمع هم کرد بعد می‌خواهد کجا ببرد؟ در این دنیا یک اعتبار و نام نیک از آدم‌ها می‌ماند و یک پرونده که آدم با خودش به آن دنیا می‌برد؛ انسانیت و پاک بودن.

برای من خیلی مهم است و معتقدم آدم تحت هر شرایطی باید پاک زندگی کند. اوضاع اقتصادی خیلی ناچور و نابسامان است ولی ما نباید به هر کاری دست بزنیم بلکه باید شرافتمندانه زندگی کرد.

### زندگی +

حتماً شنیده‌اید خیلی‌ها می‌گویند اگر

انسانیت و شرافت را پیش بقال ببری یک

مثقال پنیر هم به تو نمی‌دهند. آیا شما در

زندگی‌تان تاثیر شرافت و انسانیت را

دیده‌اید؟

بله، نمونه‌اش همین که مدتی در

فضای مجازی درباره‌ام حرف زدند و

شما می‌گویید معروف شده‌ام. اگر

خدا بخواهد به کسی عزت بدهد

این کار را می‌کند.

به عنوان یک جوان امانتدار چه آرزویی

دارید؟

آرزوی بزرگ من یک جهان بدون فقر و پر

از انسانیت است که در آن آدم‌ها به هم

ظلم نمی‌کنند و کسی از کسی آزرده خاطر

نمی‌شود. ﷻ